

قدرت نرم

در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا

دکتر فاطمه سلیمانی پورلک

(همکار علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی)

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس



قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا / فاطمه سلیمانی پورلک - تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۳۸۹.

۳۷۱ ص: مصور، جدول

انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی: آمریکاشناسی: ۹.

ISBN: 978-600-5282-29-0 ۱۲۰,۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۳۴۷ - ۳۷۱.

۱. قدرت (علوم اجتماعی) - - ایالات متحده؛ امنیت ملی - - ایران؛ خاورمیانه - - دخالت ایالات متحده؛ خاورمیانه - - روابط خارجی - ایالات متحده؛ ایران - روابط خارجی - ایالات متحده؛ ایالات متحده - روابط خارجی - ایران؛ سلیمانی پورلک، فاطمه - ب. پژوهشکده مطالعات راهبردی. ج. عنوان.

۳۲۷/۵۶۰۷۳

۶۳ / ۲ DS ۱۳۸۹ س ۸ / الف ۹

۱۹۶۹۹۱۱

کتابخانه ملی ایران

قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا

نویسنده: فاطمه سلیمانی پورلک

ناشر: پژوهشکده مطالعات راهبردی

چاپ و صحافی: مجاب

نوبت چاپ: سوم ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۰۰۰

بها: ۱۲۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۲۸۲ - ۲۹ - ۰۰

تهران خیابان کریم‌خان زند، خیابان آبان جنوبی، خیابان رودسر شرقی، شماره ۷

صندوق پستی: ۱۴۵۵-۵۱۸۹

دورنگار: ۸۸ ۸۹ ۶۵ ۶۱

تلفن: ۸۸ ۹۱ ۲۸ ۳۰

تلفکس انتشارات: ۸۸ ۸۰ ۲۴ ۷۶ روابط عمومی: ۸۸ ۸۰ ۲۴ ۷۷

کلیه حقوق برای پژوهشکده مطالعات راهبردی محفوظ است.



پژوهشکده مطالعات راهبردی

فهرست مطالب

۱۳		سخن ناشر
۱۵		مقدمه
بخش اول: مفاهیم و مبانی تئوریک		
۲۳		فصل اول: رویکردهای تئوریک نرم‌افزارگرایانه به قدرت
۲۴		تئوری قدرت نرم
۲۴		مفهوم قدرت نرم
۲۶		منابع قدرت نرم
۲۸		کاربرد قدرت نرم
۳۰		رهبری جهانی
۳۳		هزمونی خیراندیش یا ملایم
۳۷		فصل دوم: رویکردهای تئوریک نرم‌افزارگرایانه به امنیت
۳۹		ادوارد آزر و چونگ-این-مون؛ دیدگاه نرم‌افزاری امنیت
۴۱		یزید سایق؛ دیدگاه توسعه گرا به امنیت در جنوب
۴۲		محمد ایوب؛ دیدگاه امنیتی مبتنی بر دولت‌سازی در جنوب
۴۳		باری بوزان؛ دیدگاه فراخ نگر به ماهیت دولت و محیط امنیتی جنوب
۵۱		برآیند رویکردهای تئوریک نرم‌افزاری به قدرت و امنیت
۵۵		منابع بخش اول

بخش دوم: سیاست نرم‌افزاری آمریکا

- فصل اول: جایگاه قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا ۶۱
- ملاحظات نرم‌افزارگرایانه در سیاست خارجی آمریکا در دوران جنگ سرد ۶۱
- ترومن؛ آغاز جنگ سرد و سیاست مهار در سیاست خارجی آمریکا ۶۲
- آیزنهاور و مداخله‌گرایی نظامی در سیاست خارجی آمریکا ۶۳
- کندی و اخلاق‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا ۶۴
- نیکسون؛ آمیزش از دیپلماسی و واقع‌گرایی سیاسی در سیاست خارجی آمریکا ۶۵
- کارتر؛ حقوق‌بشرگرایی در سیاست خارجی آمریکا ۶۶
- ریگان؛ حقوق‌بشر در پرونده واقع‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا ۶۷
- نرم‌افزارگرایی در چارچوب سیاست‌های اعلانی و اعمالی آمریکا در عصر پساجنگ سرد ۶۸
- سیاست خارجی جورج بوش بر محور نظم نوین جهانی ۶۹
- سیاست خارجی کلinton بر محور آرمان پیشبرد دموکراسی و حقوق‌بشر ۷۰
- ویژگی‌های قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ۷۲
- قدرت‌یابی جریان نومحافظه‌کاری در سیاست خارجی آمریکا و پیامدهای ۱۱ سپتامبر ۷۳
- نرم‌افزارگرایی در سیاست خارجی آمریکا بر مبنای آموزه مبارزه با تروریسم
- و پیشبرد دموکراسی ۷۵
- ملاحظات لیبرالیستی (نرم‌افزارگرایی) در سیاست‌های اعلامی بوش ۷۶
- مضامین لیبرالیستی سیاست بوش؛ «دولت‌های شکست خورده» و «تغییر نظام» ۷۸
- فصل دوم: جایگاه نرم‌افزارگرایی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا ۸۱
- سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در دوران جنگ سرد؛ نرم‌افزارگرایی در پرونده واقع‌گرایی سیاسی ۸۱
- سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در عصر پساجنگ سرد؛ نرم‌افزارگرایی بر پایه سیاست
- حذف اسلام‌گرایان و تشویق اصلاحات سیاسی در کشورهای منطقه ۸۴
- سیاست حذف اسلام‌گرایان ۸۵
- سیاست تشویق اصلاحات محدود در منطقه ۸۶
- سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا در دوران پس از ۱۱ سپتامبر؛ نرم‌افزارگرایی بر محور
- استراتژی مقابله با تروریسم ۸۹

۸۹	عوامل تأثیرگذار بر نرم‌افزارگرایی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا
۹۰	گونه‌شناسی منافع آمریکا در خاورمیانه
۹۳	چالش‌های امنیتی آمریکا در خاورمیانه
۹۳	چالش‌های امنیتی سخت‌افزاری
۹۳	تروریسم
۹۴	تهدید گسترش سلاح‌های هسته‌ای
۹۶	چالش‌های امنیتی نرم‌افزاری
۹۶	چالش‌های سیاسی
۹۸	چالش‌های اقتصادی
۹۹	چالش‌های فرهنگی
۱۰۳	نرم‌افزارگرایی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر
۱۰۳	استراتژی امنیت ملی آمریکا، آرمان‌گرا در اهداف، عمل‌گرا در ابزار
۱۰۷	سیاست نرم‌افزاری اشاعه دموکراسی در کشورهای منطقه
۱۱۱	منابع بخش دوم

بخش سوم: محیط امنیتی کشورهای خاورمیانه و بستر ضعف دیون ساختاری

۱۲۱	فصل اول: ساختارها و روندهای سیاسی در کشورهای منطقه خاورمیانه
۱۲۱	طبقه‌بندی ساختاری نظام‌های سیاسی منطقه خاورمیانه
۱۲۷	روند اصلاحات سیاسی در منطقه
۱۲۷	دموکراسی‌سازی؛ مجالس قانون‌گذاری
۱۲۹	دموکراسی‌سازی؛ شوراهای مشورتی
۱۲۹	آزادسازی؛ انتخابات
۱۳۳	آزادسازی؛ احزاب سیاسی
۱۳۴	آزادسازی؛ سازمان‌های مدنی
۱۳۸	آزادسازی؛ آزادی مطبوعات
۱۳۸	آزادسازی؛ سیستم قضایی و حکومت قانون
۱۴۰	چشم‌انداز تحول سیاسی در کشورهای خاورمیانه

۱۴۳	 ساختار نظام سیاسی ایران
۱۴۴	 شکل‌بندی قدرت در ساختار حقوقی - قانونی جمهوری اسلامی ایران
۱۴۵	 اسلامیت
۱۴۶	 جمهوریت
۱۴۸	 شکل‌بندی قدرت در ساختار سیاسی - نهادی جمهوری اسلامی ایران
۱۴۹	 جامعه توده وار
۱۵۱	 آمیزش دین و سیاست
۱۵۱	 رهبری سیاسی روحانیت
۱۵۲	 نظم ایدئولوژیک مذهب‌گرا
۱۵۳	 گونه‌شناسی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران
۱۵۷	 فصل دوم: ساختارهای اقتصادی کشورهای منطقه
۱۵۷	 اقتصاد سیاسی رانتی در کشورهای خاورمیانه
۱۶۲	 سیاست آزادسازی اقتصاد در کشورهای خاورمیانه و پیامدهای سیاسی آن
۱۶۶	 وضعیت توسعه اقتصادی در کشورهای خاورمیانه
۱۶۹	 ساختار و روندهای اقتصادی در ایران
۱۷۰	 اقتصاد سیاسی جهانی
۱۷۳	 اقتصاد سیاسی ایران
۱۷۴	 ماهیت دولتی اقتصاد در ایران
۱۷۴	 مبانی سرمایه‌داری دولتی در ایران
۱۷۴	 مبانی تاریخی؛ ضعف تاریخی بورژوازی ملی
۱۷۶	 مبانی طبیعی؛ نفت
۱۷۷	 مبانی فرهنگی، ایدئولوژی
۱۷۸	 مبانی حقوقی؛ قانون اساسی
۱۸۰	 اصلاحات اقتصادی
۱۸۴	 موقعیت ایران در اقتصاد جهانی
۱۸۲	 ایران و تجارت خارجی

۱۸۴	ایران و سرمایه‌گذاری خارجی
۱۸۷	فصل سوم: ساختارهای اجتماعی، فرهنگی کشورهای خاورمیانه
۱۸۷	شکاف‌های اجتماعی در کشورهای خاورمیانه
۱۸۸	شکاف‌های ساختاری (طبقه‌ای)
۱۸۸	ساختار طبقه‌ای سنتی
۱۸۹	تحول ساختار طبقه‌ای سنتی
۱۹۰	ساختار طبقه‌ای جدید
۱۹۲	شکاف‌های تاریخی یا تصادفی (غیرطبقه‌ای)
۱۹۶	هویت ملی در خاورمیانه
۱۹۷	تضادهای بنیادین اجتماعی در خاورمیانه
۱۹۸	هویت ملی جوامع خاورمیانه‌ای در بستر تضادهای بنیادین اجتماعی
۲۰۱	ساختار اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۲۰۲	هویت ملی ایرانیان
۲۰۳	فرآیند شکل‌بندی هویت جامعه ایرانی
۲۰۵	تعریف هویت فرهنگ‌محور جمهوری اسلامی ایران
۲۰۶	شاخص‌های امنیت اجتماعی (- فرهنگی) جمهوری اسلامی ایران
۲۰۷	شکل‌گیری و مفصل‌بندی فرهنگ رسمی
۲۰۸	تعریف خودِ فرهنگی بر پایه «دگر» خود
۲۰۸	رویکرد سلبی به امنیت فرهنگی
۲۰۹	دین، شاکله ساختار اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۲۰۹	اقتدار دین
۲۰۹	قدرت نفس دین
۲۱۰	قدرت نهادینه دین
۲۱۰	قدرت فردی دینی
۲۱۰	قدرت مدنی دین
۲۱۰	قدرت اجتماعی دین

۲۱۱	 مبانی جامعه دین‌محور ایرانی
۲۱۱	 خدامحوری
۲۱۱	 وحدانیت و فرادستوری بودن شریعت
۲۱۱	 مطلق گرایی
۲۱۲	 هم‌نشینی دین و سیاست
۲۱۲	 هویت خرده ملی ایرانیان
۲۱۵	 ابعاد تاریخی - طبیعی
۲۱۸	 ابعاد حقوقی - قانونی
۲۲۰	 ابعاد رفتاری - عملی
۲۲۵	 منابع بخش سوم

بخش چهارم: تعاملات نرم‌انزاری قدرت و امنیت در خاورمیانه

۲۳۷	 فصل اول: شاخص‌های سیاست نرم‌انزاری آمریکا در خاورمیانه
۲۳۷	 هنجارسازی
۲۳۸	 دموکراسی‌سازی
۲۴۰	 مؤلفه‌های اثر گزار در استراتژی دموکراسی‌ساز خاورمیانه
۲۴۰	 منافع آمریکا در خاورمیانه
۲۴۱	 شرایط داخلی کشورهای منطقه
۲۴۳	 بازسازی زیر ساخت‌های فرهنگی - اجتماعی کشورهای منطقه خاورمیانه
۲۴۵	 حقوق بشرگرایی
۲۴۷	 نسبت جهان شمولی حقوق بشر با نسبیت گرایی فرهنگی خاورمیانه
۲۴۸	 نسبت حقوق بشر با صلح و امنیت بین‌المللی
۲۵۱	 سیاست گزینشی آمریکا در برابر کشورهای خاورمیانه
۲۵۲	 دولت‌سازی
۲۵۴	 اصلاحات نهادی دموکراتیک
۲۵۶	 تغییر رژیم

۲۵۹	ملت‌سازی
۲۵۹	فرایند و مفهوم ملت‌سازی
۲۶۲	پروژه ملت‌سازی در سیاست خارجی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر
۲۶۳	ارزیابی برنامه‌های دولت - ملت‌سازی آمریکا
۲۶۷	فصل دوم: سیاست نرم‌افزاری آمریکا و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
۲۶۹	قدرت نرم و تهدیدات وجودی در بخش‌های امنیت ملی ایران
۲۶۹	امنیت سیاسی
۲۷۰	بی‌ثبات‌سازی ساختاری و نهادی
۲۷۵	بی‌ثبات‌سازی ایده و معنا
۲۸۲	امنیت اقتصادی
۲۸۷	امنیت اجتماعی
۲۸۸	بی‌ثبات‌سازی افقی ساختارهای هویتی
۲۸۸	آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات ارزشی
۲۹۶	بحران هویت
۲۹۸	سیاست هویت زدای آمریکا
۲۹۸	مبادلات آموزشی، فرهنگی
۲۹۹	وسایل ارتباط جمعی
۳۰۲	حقوق بشر
۳۰۶	ایدئولوژی هویت‌ساز جمهوری اسلامی و تقابل با قدرت نرم آمریکا
۳۱۰	بی‌ثبات‌سازی عمودی ساختارهای هویتی
۳۱۵	امنیت نظامی
۳۱۷	طبقه‌بندی رویکردهای مقابله گرا در برابر تهدید ایران
۳۱۹	گزینه تغییر رژیم
۳۲۶	فرصت‌های ناشی از کاربرد قدرت نرم در حوزه امنیت ملی ایران
۳۲۶	حوزه سیاسی

۳۲۷	 حوزه اقتصادی
۳۲۸	 حوزه اجتماعی - فرهنگی
۳۲۹	 حوزه نظامی
۳۳۱	 منابع بخش چهارم
۳۴۱	 نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۳۴۷	 فهرست منابع

سخن ناشر

پایان جنگ سرد با تحولات پیچیده‌ای در صحنه نظام بین‌الملل همراه بود. نخستین نشانه‌های آن را می‌توان در ضرورت بازنگری ساختار نظری امنیت در عرصه‌های ملی و بین‌المللی مشاهده کرد. با پایان جنگ سرد و آغاز عصر جدیدی که در آن از تهدید بلوک شرق خبری نبود، توجه به قدرت نرم در ساختار نظام بین‌الملل مورد بازنگری جدی غرب به ویژه آمریکا قرار گرفت. در استراتژی جدید آمریکا، چگونگی رابطه این کشور با کشورهای خاورمیانه بر اساس مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت و امنیت اهمیت زیادی پیدا کرد و ضرورت بازتعریف منافع ملی کشورهای خاورمیانه بیش از پیش احساس می‌شود. قدرت نرم محمل گسترش ارزش‌های مورد قبول آمریکا است و در عصر حاضر که جنگ بیش از آنکه پدیده‌ای سیاسی و حاکمیتی باشد به پدیده‌ای فرهنگی تبدیل گشته است، قدرت نرم، کارویژه‌ای جنگی برای سیطره بر کشورهای هدف را دارد. قدرت نرم در دوران جنگ سرد در سطحی بسیار محدودتر از آنچه امروز مورد توجه آمریکا قرار گرفته در توافق‌های کنفرانس امنیت و همکاری اروپا مورد بهره‌برداری واقع شد و به مرور حاکمیت را در بلوک شرق متزلزل ساخت. انقلاب اسلامی ایران پدیده منحصر بفردی بود که در آن یک ملت با قدرت نرم اشاعه و گسترش ارزش‌های دینی و اهتمام به سیادت و آقایی ملی که در الفاظ حضرت امام خمینی موج میزد خود را باز یافت و قدرت سخت افزاری سترگ شاه را سرنگون کرد و پس از پیروزی نیز هر چند با فراز و نشیب به گسترش این قدرت ادامه داد. اکنون قدرت نرم مورد اهتمام جدی آمریکا قرار گرفته است و جهت مهار تهدید فرازوی خویش، کشورهای خاورمیانه آماج‌های اصلی آن هستند. از این روی، شناخت این مهم برای تصمیم‌گیران و پژوهشگران حوزه امنیت ملی کشورمان ضرورت بیشتری دارد.

پژوهشکده مطالعات راهبردی بیشتر توان خود را از ابتدای تأسیس تاکنون به حوزه مطالعات امنیتی و راهبردی اختصاص داده است. اثر حاضر نیز با هدف تولید و غنی‌سازی ادبیات این حوزه صورت گرفته و

پژوهشکده امیدوار است از این طریق بتواند به روز آمد کردن حوزه امنیت پژوهشی کمک کند و معتقد است که این حوزه نیازمند توجه و سرمایه‌گذاری بیشتری است. پژوهشکده ضمن تشکر از مؤلف محترم، مطالعه این اثر را به کلیه امنیت پژوهان و تصمیم‌گیران سیاست خارجی توصیه می‌کند.

معاونت پژوهشی

www.ketab.ir

مقدمه

قدرت نرم^۱ بر دیگر تئوری‌ریستی مبتنی است و به مجموعه‌ای از مؤلفه‌های فرهنگی - اصولی اشاره می‌کند؛ مؤلفه‌هایی مانند ترویج دموکراسی در سطح جهان، گسترش حقوق بشر، اشاعه اقتصاد بازار آزاد، خاص‌گرایی آمریکایی و رسالت آمریکایی که از بدو تکوین کشور آمریکا، نقش مهمی در هویت‌سازی و هویت بخشی به این کشور و سیاست‌های آن ایفا کرده است. این مفاهیم را می‌توان در کنار سایر ملاحظات سخت‌افزاری قدرت بنیان مطالعه سیاست خارجی آمریکا قرار داد. استفاده از مقوله قدرت نرم در دستگاه تصمیم‌گیری خارجی آمریکا، موضوع جدیدی نیست. در دوران جنگ سرد، اصل سامان بخش رفتار خارجی این کشور را مبارزه با کمونیسم به عنوان تهدید اصلی تشکیل می‌داد، اما بکارگیری منابع قدرت نرم، به ویژه در قالب حقوق بشر نیز مورد توجه بود. در واقع، آغاز جنگ سرد و معرفی تنش جهانی آمریکا به عنوان مدافع عناصر سازنده هویت همه جانبه غرب و متعاقب آن، پای‌بندی به تهدید این دولت به منافع و اهداف استراتژیک و امنیتی به عنوان الزامات نقش مزبور، سبب نشد دولتمردان و تصمیم‌گیران ایالات متحده از «اموریست آمریکایی» یعنی ترویج و اشاعه مضامین لیبرالیستی، تفکر مبتنی بر دفاع از آزادی و تقویت ضریب پای‌بندی به حقوق بشر در عرصه جهانی (نرم‌افزارگرایی) غفلت کنند. سیری که در دوره ریاست جمهوری تمامی رؤسای جمهور آمریکا از جمله آیزنهاور، ریگان و جورج بوش - که فضای میلیتاریستی غالب بود - ادامه یافت.

پایان جنگ سرد و همگام با آن، آغاز موج جدیدی از تحولات پیچیده در صحنه تعامل بین‌المللی، اولین نشانه‌های ضرورت بازنگری در ساختار نظری امنیت در عرصه‌های ملی و بین‌المللی را نمایان کرد. با خاتمه جنگ سرد و شروع عصری بدون تهدید بلوک شرق، ضرورت باز تعریف منافع ملی برای آمریکا احساس می‌شد. پیامد منطقی این سیر از یکسو عبارت بود از ارتقاء میزان پای‌بندی به قدرت نرم و منابع آن به ویژه در جنبه‌های ساختاری و نهادی بین‌المللی، از جمله سازمان‌های بین‌المللی و در راس آنها سازمان ملل که تجلی آن را می‌توان در استراتژی آمریکا در این دوران مشاهده کرد. از سوی دیگر، نظریه‌پردازی امنیتی در ابعاد

نرم‌افزاری تهدیدزایی و ناامنی که می‌توان آن را با افزایش اعتبار جهانی نظریه‌های امنیتی جنوب و بروز شرایط لازم برای تعمیم دیدگاه‌های آنان در سطح نظام بین‌الملل مترادف دانست. این روند پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ با تأکید بر استراتژی مقابله با تروریسم به همراه سیاست گسترش و پیشبرد دموکراسی به شکلی جدی‌تر و بارزتر دنبال شد که بیان‌کننده جلوه خاصی از این مسیر جدید است. یک بعد مهم بحث در این چارچوب به چگونگی رابطه آمریکا و کشورهای خاورمیانه براساس مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت و امنیت مربوط می‌شود.

در تحلیل سیاست خارجی آمریکا بر مبنای الگوی قدرت نرم، منطقه خاورمیانه، جایگاه ویژه‌ای دارد. به عبارت دیگر، در دوران جنگ سرد سطوح تعامل میان آمریکا و کشورهای این حوزه عموماً متأثر از مناسبات استراتژیک بین‌المللی میان قدرت‌های بزرگ بود. اما با آغاز شرایط جدید، بعد از فروپاشی بلوک رقیب و بازبینی جایگاه منطقه خاورمیانه در محافل استراتژیک آمریکا به عنوان منبع جدید تهدید و ناامنی، تأکید بر قدرت نرم برای مهار آن از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار شد. به طور کلی، تحلیل پیامد سیاست‌های جدید آمریکا در بهره‌گیری از منابع قدرت نرم برای مهار تهدیدات ناشی از منطقه خاورمیانه، جلوه ویژه‌ای از نقش آمریکا در صحنه بین‌المللی و نیز بعد نوینی از سیاست‌پذیری ملاحظات نرم‌افزاری امنیت در خاورمیانه را آشکار می‌کند.

در واقع، آغاز توجه تحلیلگران و سیاستمداران آمریکا به ضرورت بهره‌گیری از منابع نرم قدرت در جهت تحقق منافع حاصل از کنترل رفتار بازیگران بین‌المللی، به ویژه در خاورمیانه، به‌رغم اینکه عملاً این کشور را به قابلیت‌های جدیدی برای تأثیرگذاری در تحولات بین‌المللی، خصوصاً حوادث مربوط به دولت‌های خاورمیانه‌ای به عنوان منابع جدید تهدیدزایی مسلح کرده است، به تشدید ناامنی در کشورهای منطقه منجر خواهد شد. بنابراین، منطقه خاورمیانه به عنوان مخاطب اصلی سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی آمریکا مطرح شد و تعبیه ملاحظات مبتنی بر منابع نرم قدرت به عنوان اصل سامان‌دهنده سیاست خارجی آمریکا بعد از جنگ سرد و بستری نافذ برای ایفای نقش جهانی این کشور در مقطع جدید مورد تأکید قرار گرفت. مسلماً، پافشاری بر این بعد از سیاست‌گذاری خارجی به معنای بی‌توجهی این کشور به نقش ملاحظات سخت‌افزاری گرایانه نبوده است. بنابراین، چارچوب کلان رفتاری این کشور در رابطه با خاورمیانه بیان‌کننده نوعی بازبینی در عناصر سازنده الگوی نفوذگذاری در کشورهای منطقه باید تلقی شود. بازنگری هم منابع جدید قدرت - قدرت نرم - را دربر می‌گیرد و هم بی‌ثباتی ساختاری و ناامنی بسیاری گسترده‌ای را در حوزه داخلی کشورهای منطقه موجب می‌شود.

به‌زعم دولتمردان آمریکا بهره‌گیری از منابع نرم‌افزاری قدرت در قالب ترویج اقتصاد لیبرالیستی، گسترش حقوق بشر با مؤلفه‌های لیبرالیستی و فرهنگ آمریکایی و در یک کلام تعمیم ساختارهای فرهنگی و ایدئولوژیکی آمریکایی، می‌تواند به کاهش و نابودی بسیاری از زمینه‌های بحران‌زایی و امنیت‌زدایی در منطقه

خاورمیانه منجر شود، چرا که «دموکراسی‌ها با هم نمی‌جنگند».^۱ اما در آن سوی معادله باید به تلاقی منابع نرم قدرت با منافع ملی دولت‌های خاورمیانه توجه داشت. در واقع، باید گفت که در شرایط نوین بعد از جنگ سرد، منابع قدرت آمریکا - قدرت نرم - یک بار دیگر شاخص‌های امنیتی کشورهای خاورمیانه را به شیوه‌ای دیگر و با بردی گسترده‌تر از دوران جنگ سرد، تحت تأثیر قرار داده است. شدت و عمق برخورد آمریکا با کشورهای خاورمیانه، بیش از ابعاد امنیتی و استراتژیکی، به مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی - ایدئولوژیک، اقتصادی و به طور کلی مؤلفه‌های هویتی این کشورها باز می‌گردد، مؤلفه‌هایی که مخاطب اصلی منابع قدرت نرم آمریکا محسوب می‌شوند.

بر همین اساس، مرجع امنیت در الگوی رفتاری مبتنی بر قدرت نرم، سطوح ساختاری کشورهای خاورمیانه است. چرا که بر اساس رویکرد آمریکا، ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی این کشورهاست که منبعی جهت ارتزاق نیروهای تهدیدآفرین و امنیت‌زدا فراهم می‌کنند. در استراتژی امنیت ملی آمریکا، امنیت «در نبود تهدید» تعریف شده است و از این رو، امنیت سازی مستلزم از بین بردن ریشه‌های ناامنی است. در چنین فضای تحلیلی، «مهندسی ساختاری» به معنای تغییر ساختارها و همچنین ایده‌های زیربنایی آنها و ایجاد ساختارهای جایگزین مبتنی بر ایده‌های لیبرالسم و دموکراتیک در دستور کار سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا قرار گرفت.

این در حالیست که ضعف درون ساختاری، مهم‌ترین مؤلفه تشکیل دهنده محیط امنیتی کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شود. سیر تحولات در این کشورها بیان کننده آن است که آنها درگیر نوعی بی‌ثباتی ساختاری بالقوه هستند که تاکنون سیاست‌های خاص دولت‌ها، مانع فعلیت یافتن آنها شده است. بدیهی است، همان‌گونه که رویدادهای اوایل دهه ۱۹۹۰ نشان داد، با دخالت عوامل و روندهای خارجی، ساختارهای داخلی در کشورهای منطقه نیز ثبات ظاهری خود را از دست می‌هند و دچار عدم تعادل می‌شوند. در چنین شرایطی، امنیت ملی این کشورها در ابعاد نرم‌افزاری، نه لزوماً سخت‌افزاری، به چالش کشیده می‌شود و در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد با وجود رویکرد تخریب‌گرایانه و همچنین اصلاح‌گرایانه آمریکا نسبت به ساختارهای داخلی کشورهای خاورمیانه، آنها بیش از آنکه از منابع نظامی و عوامل خارجی احساس تهدید و ناامنی کنند، نگران بی‌ثباتی ساختارهای داخلی و به چالش کشیده شدن آنها به واسطه مقاومت جامعه هستند. خصوصاً که این مقاومت با فشارهای بین‌المللی همراه شده است. هم‌نشینی عوامل داخلی و خارجی می‌تواند عرصه را بر

۱. این گزاره تز بنیادین نظریه "صلح دموکراتیک" به شمار می‌آید.

دولت‌ها تنگ‌تر کند. بر این اساس، الگوی جدید برخورد آمریکا، امنیت سیاسی کشورهای منطقه را به مفهوم امنیت نظام‌های سیاسی به چالش می‌کشد. این سیر در حالی شکل می‌گیرد که در کشورهای جنوب، امنیت رژیم، عمدتاً امنیت کشور و در نتیجه امنیت ملی تلقی می‌شود. اما در سطحی فراتر، نظریه‌پردازان، امنیت اجتماعی را از جهاتی از امنیت سیاسی متمایز می‌دانند، گرچه این دو مقوله با یکدیگر در ارتباط‌اند.

امنیت اجتماعی به معنای هویت جامعه است که در فرهنگ - اعم از ملی و مذهبی - ریشه دارد و هر عاملی که این هویت مبتنی بر فرهنگ را به چالش بکشد، تهدیدی امنیتی محسوب می‌شود. در واقع، در رویکرد هویت‌گرا به امنیت، جامع خاورمیانه‌ای نیز آماج الگوی رفتاری مبتنی بر قدرت نرم قرار می‌گیرند. از این رهگذر، فرصت‌هایی نیز پدید می‌آید، اما از آنجا که مؤلفه‌ها و عناصر هویتی این جوامع، مخاطب اصلی قدرت نرم آمریکا می‌باشند، امنیت اجتماعی به عنوان هدف مرجع، در کانون ناامنی جای می‌گیرد. علاوه بر این، با توجه به ضعف انسجام سیاسی - اجتماعی و در نتیجه ضعف دولت در کشورهای خاورمیانه، موج جدید تهدید ناشی از الگوی رفتاری آمریکا به مؤلفه‌های تشکیل دهنده دولت - ملت باز می‌گردد.

به طور کلی، منشاء بسیاری از چالش‌های امنیتی در منطقه خاورمیانه درونی است نه بیرونی. عوامل داخلی مانند مشروعیت، اتحاد عناصر مختلف اجتماعی، ایدئولوژی و قابلیت سیاست‌گذاری از متغیرهایی هستند که نقش مهمی در زمینه ترسیم موقعیت امنیت ملی ایفا می‌کنند. در میان موضوعات امنیتی مورد توجه، عوامل و مؤلفه‌های سیاسی و به ویژه ماهیت دولت در کشورهای در حال توسعه به طور عام و منطقه خاورمیانه به طور خاص و رابطه آن با جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا، با توجه به این که ملاحظات امنیتی دول منطقه دارای ویژگیهای داخلی و در عین حال متأثر از رویکردها و سیاست‌های دیگر دولت‌ها به ویژه قدرت‌های بزرگ است، می‌توان گفت متناسب با بروز تحول در مبانی اعمال قدرت در روابط بین‌الملل، بویژه بر مبنای مقوله‌های نرم - خصوصاً الگوی ترویج و تحمیل اصول ارزشی و اخلاقی - عرصه تأثیرپذیری ملاحظات امنیتی این کشورها، عرصه بسیار گسترده و کلانی را در بر خواهد گرفت.

تبیین موضوعات گفته شده مستلزم آن است که با استناد به رویکردهای تنوریک جایگاه نرم‌افزارگرایی، به ویژه قدرت نرم و منابع مربوط به آن در سیاست خارجی آمریکا و الگوی رفتاری مبتنی بر نرم‌افزارگرایی این کشور مورد مطالعه و فراتر از آن پیامدهای امنیتی این استراتژی برای کشورهای خاورمیانه - با تأکید بر ایران - در سطوح گوناگون مورد واکاوی و بررسی موشکافانه قرارگیرد.

در میان تحلیلگرانی که به قدرت نرم‌افزاری پرداخته‌اند، جوزف نای از جایگاه خاصی برخوردار است. وی در تحلیل خود بر مبنای بروز تحولات گسترده در عرصه تعاملات بازیگران بین‌المللی به بروز اشکال جدیدی از منابع قدرت در قالب تکنولوژی، ارتباطات و... اشاره کرد. بر این اساس، راهکار اصلی برای احیای قدرت و

نقش آمریکا در شرایط بعد از جنگ سرد را دستیابی به توانمندی لازم برای کنترل رفتار دیگر بازیگران می‌داند. بنابراین وی بر ضرورت توسل به منابع جدید قدرت یعنی قدرت نرم تأکید می‌کند و مؤلفه‌هایی چون فرهنگ آمریکایی، ارتباطات انبوه و... را به عنوان دست‌مایه و پیشبرنده اهداف آمریکا در شرایط جدید مورد توجه قرار می‌دهد.^۱

استفاده از تئوری قدرت نرم جوزف نای در این تحقیق مستلزم تأکید بر نظریه‌های امنیت جنوب^۲ است. ارزش چنین صورتبندی از آنجا ناشی می‌شود که می‌توان بر این مبنا تأثیرگذاری الگوی جدید سیاست خارجی آمریکا بر پایه نرم‌افزار، به‌ویژه قدرت نرم موردنظر جوزف نای را بر امنیت ملی کشورهای خاورمیانه مورد مطالعه قرار داد.

سرانجام بر خود فرض می‌دانم که مراتب سپاس و قدردانی خویش را نثار استادان ارجمند و گرانقدری کنم که نه تنها در طول تحصیل از محضرشان بسیار آموختم، بلکه نگارش کتاب حاضر نیز مرهون راهنمایی‌های ارزنده‌شان می‌باشد. در این راستا، باید از دکتر عبدالعلی قوام که طرح اولیه اثر را به دقت و موشکافانه مورد بررسی قرار داده است، نظر ارزشمندی در جهت ارائه بهینه آن ابراز داشتند، از دکتر ابراهیم متقی، دکتر محمد امجد و دکتر کیهان برزگر که با بذل وقت و دقت فراوان در مطالعه پیش‌نویس و ارائه پیشنهادات اصلاحی به غنای بیشتر مباحث کمک کردند، سپاسگذار باشم. لیکن، کاستی‌ها و مشکلات کتاب را متوجه خود دانسته، پذیرای انتقادات و پیشنهادات سازنده خوانندگان محترم می‌باشم. همچنین، خاطرنشان می‌سازم که آماده‌سازی کتاب جهت انتشار با حسن نظر و مساعدت مسئولان محترم پژوهشکده مطالعات راهبردی از جمله همکاری مستمر و صمیمانه آقای عسگر قهرمانپور ممکن گشت که درخور قدردانی می‌باشد.

فاطمه سلیمانی

دی ماه ۱۳۸۸

۱. فصل اول به تفصیل به این موضوع خواهد پرداخت.

۲. نظریه‌های امنیت در جنوب، اغلب تحت عنوان نظریه‌های امنیتی جهان سوم مطرح می‌شوند. در اینجا به منظور همگام شدن با تحولات مفهومی معاصر، اصطلاح جنوب جایگزین شده است.